



# سرمایه‌ها، فکر و کمینده حسابرسی



محمد مهدی مومن‌زاده  
محمد مهدی مومن‌زاده  
اعضای مرکز منطقه‌ای  
سرمایه‌فکری

توانایی یادگیری سازمانی، ارتباط با مشتریان و ساختار سازمانی ریشه می‌گیرد، می‌تواند به عنوان سرمایه فکری طبقه‌بندی شود، به شرط آنکه بتواند دانش را در آینده ذخیره‌سازی یا ارزش‌گذاری کند یا دانش ضمنی کارکنان را به دانش صریح، ترجمه کند. نکته اخیر به این موضوع اشاره دارد که سرمایه فکری حرکت از دانش به سمت استفاده از دانش است، یعنی روابط و فرایندها برای اینکه به عنوان سرمایه فکری محسوب شوند باید دانش را به محصول یا خدمتی تبدیل کنند که برای سازمان ارزشمند باشد. این سرمایه تحت اصول اقتصاد فراوانی (فزاینده) عمل می‌کند، یعنی با استفاده بیشتر نه تنها از ارزش آن کاسته نمی‌شود، بلکه بر ارزش آن نیز افزوده خواهد شد و نیروی محرکه اصلی و پایدار عملکرد سازمانی است که بهتر از هر چیزی ارزش واقعی سازمان را منعکس می‌کند.

سرمایه فکری به وسیله تعامل و اثر متقابل میان هر یک از ابعاد آن خلق می‌شود. ابعاد سرمایه فکری عبارت است از:

۱. سرمایه انسانی: سرمایه‌های انسانی تحت عنوان دانش فردی، مهارت‌ها، توانایی‌ها و تجارب موجود در کارکنان یک سازمان برای خلق ارزش و حل کردن مسائل سازمان تعریف شده‌است. بیشتر نظریه پردازان که سرمایه انسانی را هدف تحقیق خود قرار داده‌اند، آن را در سطح فردی در نظر گرفته‌اند و به نوعی آن را ترکیبی از دانش، مهارت، هوش و استعداد افراد، بدون در نظر گرفتن آنچه در بافت سازمان موجود است دیده‌اند. به عنوان مثال، سرمایه انسانی یک سازمان را شامل دانش و مهارت‌های متخصصان آن سازمان دانسته‌اند که به منظور ارائه خدمات حرفه‌ای از آنها استفاده می‌کنند.

۲. سرمایه ساختاری: سرمایه ساختاری اشاره به ساختارها و فرایندهای موجود در درون یک سازمان دارد که کارکنان از آنها استفاده کرده و از این طریق دانش و مهارت‌هایشان را به کار می‌گیرند. این سرمایه شامل مکانیزم‌ها و ساختارهایی است که نقش اصلی آن در حمایت از کارکنان برای رسیدن به عملکرد بهینه فکری و از سوی دیگر عملکرد بهینه در کسب و کار است. درحقیقت این سرمایه، شامل تمام مخازن دانشی غیر انسانی در یک سازمان مانند پایگاه داده‌ها، فرایندها، استراتژی‌ها و چارت‌های سازمانی، حق ثبت اختراعات، علائم تجاری و هرگونه قابلیت سازمانی دیگری است که از بهره‌وری کارکنان پشتیبانی کند و به سازمان ارزشی فراتر از دارایی‌های فیزیکی می‌بخشد.

۳. سرمایه ارتباطی (رابطه‌ای): این سرمایه جزئی اساسی از سرمایه فکری محسوب شده و عبارت است از ارزش نهادینه شده و موجود در کانال‌های بازاریابی و ارتباطاتی که از آن طریق سازمان‌ها کسب و کارشان را هدایت می‌کنند. موضوع اصلی سرمایه ارتباطی، دانش موجود در مسیرهای بازاریابی و روابط با مشتریان است. سرمایه ارتباطی به وفاداری مشتریان، کانال‌های توزیع، شرکای همکار، قراردادهای خوب و گواهی‌نامه‌ها، اطلاق می‌شود.

ظهور اقتصاد دانش محور و رقابت مبتنی بر دانش، سازمان‌ها را بر آن داشته است که به سازماندهی دارایی‌های دانشی و تلقی ارزش راهبردی از آن اهمیت دهند. در اقتصاد جهان امروز، دانش به عنوان مهمترین سرمایه، جایگزین سرمایه‌های مالی و فیزیکی شده است، به طوری که از آن به عنوان ورودی اصلی اقتصاد و مهم‌ترین پیامد آن یاد می‌کنند. در این دوران، موفقیت سازمان‌ها منوط به کسب سرمایه‌های نامشهودی است که دستیابی به آنها می‌تواند منجر به مزیت رقابتی پایدار شود، از این رو سرمایه فکری که ترکیبی از منابع نامشهود و فعالیت‌هایی است که به سازمان‌ها اجازه می‌دهد منابع مالی، مادی و انسانی خود را به منظور خلق ارزش بازآفرینی کنند، به عاملی مهم در توسعه اندیشمندانه، ارزشمندترین دارایی و قدرتمندترین سلاح رقابتی تبدیل شده است. صاحبان، سرمایه فکری یک سازمان را دارایی‌ها و منابع ذهنی و نامشهودی می‌دانند که سازمان با برگردان آنها به فرایندهای جدید برای تولید کالا و خدمات، به خلق ارزش می‌پردازد.

در محیط راهبردی جدید، سازمان‌های یادگیرنده که هدفشان بهبود مداوم سرمایه فکری است، پیشرفت بیشتری خواهند داشت. از مزایای سنجش ابعاد سرمایه‌های فکری می‌توان شناسایی و تعیین دارایی‌های نامشهود، تشخیص الگوهای جریان دانش در سازمان، اولویت‌بندی مباحث کلیدی دانش، سرعت‌دهی به الگوهای یادگیری سازمانی، ایجاد فرهنگ عملکردگرا و... را برشمرد. اما با وجود اهمیت فزاینده سرمایه فکری به عنوان منبع حیاتی رقابت سازمان‌ها، درک محدودی از آن وجود دارد. در حالی که اندازه‌گیری و مدیریت سرمایه فکری به مدیران سازمان‌ها اجازه خلق، پرورش، کنترل و حفظ یک منبع ارزشمند مزیت رقابتی را می‌دهد، چیزی که به سادگی به تصرف رقبا در نخواهد آمد. روش‌های فعلی ارزیابی در حسابداری مالی به گذشته گرایش دارد، در صورتی که اندازه‌گیری سرمایه فکری آینده‌نگر است و واقعیت‌های نرم (کیفیت‌ها) را در بر می‌گیرد، درحالی که حسابداری مالی، واقعیت‌های سخت (کمیت‌ها) را ارزیابی می‌کند.

اندازه‌گیری سرمایه فکری بر ایجاد ارزش تمرکز دارد، در حالی که حسابداری مالی بازدهی عملیات گذشته و جریان نقدینگی را منعکس می‌سازد، البته در سال‌های اخیر مشخص شده است که اندازه‌گیری‌های مالی سنتی در هدایت تصمیم‌گیری راهبردی از کارآمدی لازم برخوردار نیستند.

## سرمایه فکری و ابعاد آن

سرمایه فکری، مجموعه‌ای از دارایی‌های دانش محور است که به یک سازمان اختصاص داشته و در زمره ویژگی‌های آن محسوب می‌شوند و از طریق افزودن ارزش به ذی‌نفعان کلیدی سازمان، به‌طور قابل ملاحظه‌ای به بهبود وضعیت رقابتی سازمان کمک می‌کنند.

همچنین هر فرایندی که از قدرت بشری، دانش، اطلاعات، تجربه، نوآوری،

**بورد**

بهمن و اسفند ماه ۱۳۹۲  
شماره ۱۰۹ و ۱۰۸

این رو، فقدان تقارن اطلاعاتی بیشتری در رابطه با اطلاعات سرمایه‌های فکری وجود دارد و زمینه افزایش خطر اخلاقی، انتخاب ناسازگار و دیگر رفتارهای فرصت طلبانه و سوگیرانه از سوی مدیریت فراهم می‌آید. بنابراین استقلال اعضای کمیته حسابرسی از بروز چنین رفتارهایی جلوگیری می‌کند.

### درصد مالکیت اعضای کمیته حسابرسی در شرکت

افزایش میزان سهامداری اعضای کمیته حسابرسی سبب تضعیف استقلال و توانایی نظارت آنان می‌شود. این مسئله، زمینه اقداماتی چون مدیریت سود، افشای نامناسب و رفتارهای منفعت طلبانه را فراهم می‌آورد و به افزایش هزینه سهامداران منجر می‌شود. از نظر صاحب‌نظران، افزایش درصد مالکیت اعضای کمیته حسابرسی سطح افشای سرمایه فکری را کاهش می‌دهد. بر اساس بند یک ماده یک منشور کمیته حسابرسی، عضو مستقل عضوی است که فاقد هرگونه رابطه یا منافع مستقیم یا غیرمستقیم که بر تصمیم‌گیری مستقل وی اثرگذار بوده، باشد. هم چنین موجب جانبداری وی از منافع فرد یا گروه خاصی از سهامداران یا سایر ذی‌نفعان شود یا سبب عدم رعایت منافع یکسان سهامداران شود. یکی از مصادیقی که ممکن است منجر به عدم تحقق تعریف عضو مستقل شود این است که عضو کمیته، مالک بیش از ۵ درصد سهام شرکت اصلی، شرکت‌های فرعی، مشارکت خاص و سهامداران عمده آن باشد.

### تخصیص اعضای کمیته حسابرسی

بر اساس بند یک ماده ۵ منشور کمیته حسابرسی، اکثریت اعضای کمیته باید دارای تخصص مالی باشند. مطابق بند ۶ ماده یک تخصیص مالی اعضا مدرک دانشگاهی یا مدرک حرفه‌ای داخلی یا معتبر بین‌المللی در امور مالی (حسابداری، حسابرسی، مدیریت مالی، اقتصاد، سایر رشته‌های مدیریت با گرایش مالی یا اقتصادی) همراه با توانایی تجزیه و تحلیل صورت‌ها و گزارش‌های مالی و کنترل‌های داخلی حاکم بر گزارشگری مالی، تعریف می‌شود. داشتن تخصص مالی به اعضای کمیته کمک می‌کند که قضاوت‌های حسابرسان را بهتر درک کرده و نظارت مؤثرتری به رویه‌های حسابداری و گزارشگری مالی داشته باشند. در صورت وجود تخصص مالی، اعضای کمیته از مسائل مرتبط با بازار و فرایندهایی که به افزایش ارزش افزوده و ارزش بازار شرکت منجر می‌شود درک بالاتری دارند. با توجه به اینکه انگیزه اصلی مدیریت از افشای اطلاعات سرمایه فکری، بالا بردن ارزش سهام شرکت در بازار است، می‌توان انتظار داشت که بین سطح افشا و کیفیت اطلاعات منتشر شده در خصوص سرمایه فکری با تخصص اعضای کمیته حسابرسی رابطه مثبتی وجود دارد.

### نتیجه‌گیری

گزارش اطلاعات مربوط به سرمایه فکری علاوه بر کاهش نبود تقارن اطلاعاتی، موجب بهبود تصمیم‌گیری ذینفعان و تخصیص بهینه منابع می‌شود. همان گونه که ذکر شد ویژگی‌های کمیته حسابرسی بر مدیریت، ارزیابی و گزارشگری سرمایه‌های فکری اثرگذار است. کمیته‌های بزرگتر با تعداد جلسات بیشتر همراه با اعضای مستقل و متخصص که از درصد مالکیت بالایی در شرکت برخوردار نیستند، اثر مثبتی بر نحوه گزارشگری مالی شرکت و به خصوص گزارش سرمایه‌های فکری دارد. از طرفی، براساس ماده یک منشور حسابرسی داخلی، مأموریت واحد حسابرسی داخلی، ارائه خدمات اطمینان‌دهی و مشاوره‌ای مستقل و بی‌طرفانه، به منظور ارزش‌افزایی و بهبود عملیات شرکت است.

حسابرسی داخلی با ایجاد رویکردی منظم و روش‌مند به شرکت کمک می‌کند که برای دستیابی به اهداف خود، اثربخشی فرایندهای راهبردی، مدیریت ریسک و کنترل را ارزیابی کرده و بهبود بخشد. با توجه به اینکه واحد حسابرسی داخلی نیز زیر نظر کمیته حسابرسی تشکیل می‌شود، کمیته حسابرسی می‌تواند از خدمات این واحد نیز به نحو مؤثری در راستای برنامه‌ریزی و گزارشگری مطلوب سرمایه‌های فکری، بهره‌مند شود.

### سرمایه فکری و کمیته حسابرسی

کمیته حسابرسی بخش اساسی فرایند گزارشگری مالی شرکت‌هاست. مسئولیت اصلی آن نظارت بر سلامت رویه‌ها و کنترل‌های گزارشگری مالی اعمال شده توسط مدیریت در راستای حمایت از حقوق سهامداران و سایر ذینفعان است که به نیابت از هیأت‌مدیره صورت می‌گیرد. کمیته‌های حسابرسی از طریق نظارت موثر و آگاهانه نقش ارزشمندی را در کمک به جلب اعتماد بازار به گزارشگری مالی با کیفیت بالا ایفا می‌کنند و یکی از حلقه‌های اصلی زنجیره ارزش گزارشگری شرکت، محسوب می‌شوند. بر اساس ماده ۱۰ دستورالعمل کنترل‌های داخلی برای ناشران پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران، مدیریت ارشد شرکت باید کمیته حسابرسی را زیر نظر هیأت‌مدیره مطابق با ضوابط سازمان بورس و اوراق بهادار تشکیل دهد. اعضای کمیته حسابرسی باید متشکل از ۳ تا ۵ نفر و اکثریت آنها مستقل و دارای تخصص مالی باشند و ریاست کمیته با عضو مستقل یا عضو مالی غیرموظف هیأت‌مدیره است. علاوه بر این، شرکت باید واحد حسابرسی داخلی را زیر نظر کمیته حسابرسی، تشکیل دهد.

از جمله ویژگی‌های کمیته حسابرسی می‌توان به اندازه کمیته، فراوانی جلسات، استقلال اعضا، درصد مالکیت اعضای کمیته در شرکت و تخصص اعضا اشاره کرد. در ادامه، اثر این ویژگی‌ها بر توسعه و افشای سرمایه‌های فکری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### اندازه کمیته حسابرسی

در خصوص اندازه کمیته حسابرسی می‌توان گفت، بیشتر شدن تعداد اعضای کمیته با افزایش کنترل‌ها به بهتر شدن گزارشگری مالی می‌انجامد. اندازه کمیته حسابرسی یک فاکتور مهم برای تحویل گزارش‌های پر محتوا توسط شرکت است و برخی از شواهد تجربی حاکی از رابطه منفی بین اندازه کمیته و مدیریت سود بوده است. همچنین پژوهش‌ها نشان می‌دهد بین اندازه کمیته حسابرسی و سطح افشای سرمایه فکری رابطه مثبت وجود دارد.

### فراوانی جلسات کمیته حسابرسی

مطابق ماده ۱۴ منشور کمیته حسابرسی منتشر شده توسط سازمان بورس و اوراق بهادار، تعداد جلسات کمیته نباید کمتر از ۶ بار در سال باشد و باید با دوره گزارشگری مالی شرکت هماهنگ باشد. فراوانی جلسات کمیته حسابرسی از عوامل مهم در تأثیرگذاری کمیته حسابرسی بر سرمایه فکری محسوب می‌شود. کمیته‌هایی که جلسات متعدد و مکرر دارند زمان زیادی را برای اعمال نظارت بر اثر بخشی مدیریت و فرایند گزارشگری مالی اعمال می‌کنند. شواهد تجربی نشان می‌دهد یک رابطه منفی بین تعداد جلسات کمیته حسابرسی و ارائه دوباره صورت‌های مالی و مدیریت سود، وجود دارد. درگیری بیشتر کمیته حسابرسی با مسائل شرکت باعث افزایش افشا، بهبود کنترل‌های داخلی می‌شود. از این رو، تعداد جلسات کمیته حسابرسی منجر به افزایش افشای اطلاعات مربوط به سرمایه فکری و نظارت مؤثرتر بر اندازه‌گیری، گزارشگری و مدیریت سرمایه‌های فکری می‌شود.

### استقلال کمیته حسابرسی

اعضای مستقل کمیته حسابرسی توانایی بیشتری جهت نظارت بر فعالیت‌های مدیریت و گزارشگری مالی دارند. این استقلال اطمینان نسبت به کیفیت و قابلیت اعتماد فرایند گزارشگری مالی را افزایش داده و در نتیجه، فقدان تقارن اطلاعاتی کاهش می‌یابد. از آنجا که اطلاعات سرمایه فکری نقش مهمی در ارزش بازار شرکت دارد، یک کمیته مستقل می‌تواند بر کیفیت گزارش این اطلاعات بیفزاید. تحقیقات تجربی نشان می‌دهد استقلال کمیته حسابرسی رابطه مثبتی با کیفیت گزارشگری مالی دارد. فرض بر این است که افشای اطلاعات مربوط به سرمایه‌های فکری نسبت به سایر گزارش‌های سایر اطلاعات مالی از قوانین، مقررات و استانداردهای کمتری برخوردار است، از